



مدل تصویر ذهنی در ارزیابی فضاهای ساختمان‌های بلند مسکونی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۱/۳۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۱۵

پریا شفیق پوریوردشاهی

دانشجوی دکتری تخصصی معماری، گروه معماری، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.
parya.shafipour1989@gmail.com

مصطفی کیانی

دانشیار گروه معماری داخلی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران.
kiani@art.ac.ir (نویسنده مسئول)

منوچهر معظمی

استادیار گروه معماری داخلی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران.
m.moazzemi@art.ac.ir

چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: امروزه با توجه به افزایش جمعیت در ایران، ساختمان‌های بلند مسکونی در حال گسترش است و به دنبال آن نارضایتی‌های ساکنان را به همراه دارد. تصویر ذهنی ساکنان ساختمان‌های بلند بر احساس ساکنان از محیط می‌تواند تاثیرگذار باشد. پژوهش حاضر از نظر هدف بنیادی است؛ چراکه به دنبال ارائه‌ی مدل تصویر ذهنی در ارزیابی ساختمان‌های بلند مسکونی است.

روش پژوهش: در این راستا ابتدا با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به تعریف مفهوم سکونت و بررسی آن در ساختمان‌های بلند مسکونی و همچنین تصویر ذهنی پرداخته می‌شود. سپس با رویکرد کمی و با استفاده از پرسشنامه سنجیده می‌شود که کدام عوامل و در چه ابعادی بر تصویر ذهنی در سنجش ساختمان‌های بلند مسکونی مؤثر است. روش گردآوری داده‌های پژوهش، ترکیبی از مطالعات کتابخانه‌ای (نظری) و مطالعات میدانی و پیمایشی مبتنی بر پرسش‌نامه است.

یافته‌ها: در گام اول، عوامل کالبدی و روانشناختی مؤثر بر تصویر ذهنی ساکنان با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی بررسی و شناسایی شد. سپس در گام دوم، شناخت سهم مجموعه عامل‌ها در تبیین واریانس هر گویه (جدول اشتراکات) انجام گردید و در نهایت در گام سوم، مقدار کل واریانس تبیین‌شده ارائه گشت.

نتیجه گیری: نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که تصویر ذهنی در ساختمان‌های بلند لازم است در دو بعد کالبدی و روان‌شناختی ارزیابی شود و از آن‌جا که ساکنان، به محل زندگی خود حساسیت بیشتری نسبت به فضاهای شهری دارند دو بعد جزئی و کلی نیز به مدل ارزیابی اضافه می‌گردند. از این‌رو با توجه به بررسی مدل‌های مختلف از تصویر ذهنی، مدل اجنر و ریچی با اندکی تغییر و حذف طیف سوم با اهداف تصویر ذهنی در ارزیابی ساختمان‌های بلند مسکونی بیشترین مطابقت را دارد، چرا در در ابعاد کارکردی-کلی و کارکردی جزئی برای بررسی عوامل کالبدی و در ابعاد روانشناختی-کلی و روانشناختی-جزئی برای بررسی عوامل روانشناختی به کار می‌رود.

واژگان کلیدی: تصویر ذهنی، ساختمان‌های بلند مسکونی، مدل، کالبدی، روانشناختی

مقدمه

این مسئله می‌تواند ناشی از عدم تطابق تصاویر ذهنی آن‌ها از مفهوم خانه با خانه‌های آن‌ها در ساختمان‌های بلند باشد. همچنین ساکنان برای رسیدن به تصاویر ذهنی روشن، در جستجوی معنا هستند (Ronen, 2011). لذا انجام پژوهش در رابطه با بررسی مدل تصویر ذهنی در ساختمان‌های بلند مسکونی ضروری به نظر می‌رسد که در صورت عدم پرداختن به پژوهش‌های لازم در این زمینه، مشکلات و نارضایتی‌های فراوانی برای ساکنان به وجود می‌آید. در این راستا پرسش اصلی تحقیق این است: کدام مدل تصویر ذهنی در ارزیابی فضاهای ساختمان‌های بلند مسکونی به کار می‌رود؟

این پژوهش ابتدا با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به تعریف مفهوم سکونت و بررسی آن در ساختمان‌های بلند مسکونی و همچنین تصویر ذهنی پرداخته می‌شود. سپس با رویکرد کمی و با استفاده از پرسشنامه سنجیده می‌شود که کدام عوامل و در چه ابعادی بر تصویر ذهنی در سنجش ساختمان‌های بلند مسکونی مؤثر است.

بیان مساله

تصویر ذهنی ساکنان ساختمان‌های بلند می‌تواند بر احساس آن‌ها از محیط تأثیرگذار باشد؛ چراکه از نظر رلف، مکان واجد سه خصوصیت محدوده‌ی کالبدی، فعالیت‌ها و معانی است که آن را از حالت یک فضا خارج و به یک مکان با یک تصویر ذهنی برای فرد تبدیل می‌کند (Relph, 1976). از طرفی محیط انسان فوق‌العاده متنوع، غنی و مملو از ابهامات و مجهولات است و انسان با محدودیت زمان برای تصمیم‌گیری و محدودیت ظرفیت برای ذخیره کردن اطلاعات مواجه می‌باشد. در هر تجربه، انسان عمدتاً به تجارب قبلی که اطلاعات آن در ذهن ذخیره شده، تکیه می‌کند تا از این طریق تصویر ذهنی خود از محیط را کامل و پر کند (دیلمی، ۱۳۹۰، ۱۶). لینچ و سایر پژوهشگران به بررسی تصویر ذهنی در سطح شهر و از نظر شهروندان پرداخته‌اند و به عوامل فیزیکی و معنایی اشاره داشته‌اند که می‌توانند بر تصویر ذهنی شهروندان مؤثر باشند و باعث رضایت و ایجاد حس امنیت برای شهروندان شوند (Lynch, 1960; Norberg schulz, 1988). این درحالی است که تاکنون به بررسی تصویر ذهنی در سطح معماری و بالاخص در ساختمان‌های بلند مسکونی پرداخته نشده است.

زندگی در مجتمع‌های مسکونی علی‌رغم پژوهش‌های فراوان توسط پژوهشگران، همواره با نارضایتی‌هایی

ایجاد محیطی مطلوب برای ساکنان از آمال طراحان است. این امر زمانی محقق می‌شود که آن چیزی که ساختمان ارائه می‌دهد و آنچه توسط کاربران درک و ارزیابی می‌گردد و در نهایت آنچه باعث احساس خوشایندی یا ناخوشایندی نسبت به مکان می‌شود، کشف و تفسیر گردد. با توجه به افزایش جمعیت و زندگی شهرنشینی، بلندمرتبه‌سازی در تمام شهرهای ایران افزایش یافته است. تصویر ذهنی ساکنان ساختمان‌های بلند، می‌تواند چشم‌انداز و نحوه‌ی نگرش و استفاده‌ی آن‌ها از محل زندگی خود را تحت تأثیر قرار دهد. عدم حس امنیت از نقاط ضعف برای ساختمان‌های بلند محسوب می‌شود (شاهچراغی و بندرآباد، ۱۳۹۶). از این رو مسکن بلندمرتبه فرصت‌ها و تهدیدهایی را فراهم می‌سازد که تمایل یا عدم تمایل به اسکان در ساختمان‌های بلند را به وجود می‌آورد. تصویر ذهنی ساکنان ساختمان‌های بلند می‌تواند بر احساس آن‌ها از محیط تأثیرگذار باشد؛ چراکه از نظر رلف مکان واجد سه خصوصیت محدوده‌ی کالبدی، فعالیت‌ها و معانی می‌باشد که آن را از حالت یک فضا خارج و به یک مکان با یک تصویر ذهنی برای فرد تبدیل می‌کند (Relph, 1976). لنگ رفتار فضایی مردم را تحت تأثیر تصاویر ذهنی آن‌ها از ساختار محیط می‌داند (لنگ، ۱۱۰، ۱۳۸۶). همچنین هر رویدادی را که انسان با آن مواجه می‌شود، می‌توان در واقع به تصاویر ذهنی و افکار و اندیشه‌ها تبدیل کرد. تصویرسازی ذهنی، به جای تأکید بر تبیین‌ها و تفسیر از رویدادها، افراد را قادر می‌سازد که صرفاً رویدادی را توصیف کنند و با چشم ذهن خود، وقوع آن‌ها را ببینند و بدین صورت به عواطف و هیجان‌های خود دسترسی داشته باشند. افراد همواره در زندگی در جستجوی معنی هستند. شیوه‌ی مناسب معنایی برای زندگی، تصویرسازی ذهنی است. افراد اغلب توجه به آنچه را که در زندگی آن‌ها اهمیت واقعی دارد نادیده می‌گیرند و اهداف زندگی‌شان را در نظر نمی‌گیرند. تصویرسازی شیوه‌ی خلق و ایجاد معانی، جستجوی هدف‌ها و انطباق با استرس و ناراحتی‌هاست (Ronen, 2011, 148).

از آنجا که با توجه به رشد جمعیت و ساکن شدن افراد در ساختمان‌های بلند به دلیل کمبود زمین، پژوهشگران به مسائل بسیاری در رابطه با ساختمان‌های بلند پرداخته‌اند، اما همچنان نارضایتی‌های ساکنان از محل زندگی خود در ساختمان‌های بلند دیده می‌شود.

جدول ۱: تعریف تصویر ذهنی از دیدگاه نظریه پردازان

| تعریف ارائه شده | سال | نام نظریه پرداز | |
|--|------|----------------------|--------------------------|
| | | فارسی | انگلیسی |
| تصویر ذهنی با وجود محرک‌های تازهای در قالب تصاویر گذشته نمی‌گنجد، تعریف می‌شود. | ۱۹۵۴ | فرانکلین کیل‌پاتریک | Franklin Kilpatrick |
| تصویر ذهنی حاصل جریانی دوجانبه بین ناظر و محیط او که می‌تواند در افراد متفاوت، مختلف باشد. | ۱۹۶۰ | کوبین لینچ | Kevin Lynch |
| تصویر ذهنی یک بازنمایی درونی در سر یا ذهن فرد است. | ۱۹۷۰ | هوروویتز | M. J. Horowitz |
| تصویر ذهنی را عامل معنا بخشیدن به مکان می‌داند. | ۱۹۷۶ | ادوارد رلف | Edward Relph |
| تصویر ذهنی کلیت به هم پیوسته‌ای از نمادها و نشانه‌ها است. | ۱۹۷۷ | راپاپورت | A. Rapoport |
| تصویر ذهنی روشن در گروهی داشتن مکان‌های با معنا است. | ۱۹۸۸ | کریستین نوربرگ شولتز | Christian Norberg schulz |
| تصویر ذهنی خاطرات و روایاها و همچنین تصاویر ناشی از خود غیر ارادی و ارادی را شامل می‌شود. | ۲۰۰۴ | هکمن و هولمز | A. Hachmann & E. Holmes |
| یک بازنمایی ذهنی است که ممکن است یک خاطره، یک مکان و یا یک رویداد را بازنمایی کند. | ۲۰۰۹ | استویا | L. Stopa |
| تجربهای است که در اکثر مواقع، بسیار شبیه تجربه درک شیء، رویداد یا یک صحنه است. | ۲۰۱۱ | رونن | T. Ronen |

می‌دارد که خانه در وهله‌ی اول یک نهاد است و نه یک سازه و این نهاد برای مقاصد بسیار پیچیده‌ای به وجود آمده است. از آنجا که احداث یک خانه پدیده‌ای فرهنگی است؛ شکل و سازمان فضایی آن به شدت تحت تاثیر فرهنگی است که بدان تعلق دارد. حتی در آن زمان نیز که خانه برای بشر اولیه به عنوان سرپناه مطرح بود؛ مفهوم عملکردها در فایده صرف یا فایده عملکردی محض خلاصه نمی‌شد. وجه سرپناهی خانه به عنوان وظیفه‌ی ضروری و انفعالی مطرح و جنبه مثبت مفهوم خانه ایجاد محیطی مطلوب برای زندگی خانواده به مثابه واحد اجتماعی بود (راپاپورت، ۱۳۶۶). هایدگر می‌گوید «زمانی سکونت در یکی از سطوح مختلف محیط اتفاق می‌افتد که حس مکان نسبت به آن در ما به وجود بیاید». به بیان دیگر زمانی حس مکان نسبت به یک محیط در انسان پدیدار می‌گردد که آن محیط نیاز ما را به سکونت برآورده سازد (هایدگر، ۱۳۸۱). چرمایف و الکساندر عنوان می‌کنند که تامین زندگی خصوصی، مهم است و آدمیان باید در محل زندگی خود هر جا که باشند، خانه آپارتمان، یا هر نوع مسکن دیگر، از آن برخوردار شوند (چرمایف و الکساندر، ۱۳۷۶). ارتباط سکونت با تفکر فردی و اجتماعی در آراء هایدگر^۱ پدیدار است. وی نسبت میان سکونت و بنا کردن را، درست همان نسبت میان هدف و وسیله می‌داند (دن و همکاران، ۱۳۹۳). سکونت موضوعی است که ذهن اندیشمندان دیگری را نیز به خود مشغول نموده است. ادوارد کیسی^۲ معتقد است که یک مکان انسان‌ساخت با محدود کردن فضا نه تنها میزانی از امنیت را فراهم می‌کند؛ بلکه پایه‌ای برای سکونت (در جایی معین) را بنا می‌سازد (Casy, 1987).

همراه است که تصویر ذهنی روشن باعث رضایت ساکنان می‌شود (فرج‌پور باصر و دیگران، ۱۴۰۱). از این رو بررسی تصویر ذهنی ساکنان ساختمان‌های بلند مسکونی ضروری به نظر می‌رسد و برای بررسی دقیق‌تر به مدلی نیاز است که بتوان تصویر ذهنی را در تمامی ابعاد بررسی و ارزیابی نمود. لذا پژوهش حاضر با بررسی انواع مدل‌های تصویر ذهنی، مدل بهینه را با در نظر گرفتن تمامی ابعاد و انجام بررسی‌های لازم جهت ارزیابی فضاهای ساختمان‌های بلند مسکونی ارائه می‌دهد تا زمینه‌ای برای کیفیت‌بخشی و رضایت‌مندی ساکنان ساختمان‌های بلند به وجود آورد.

پیشینه‌ی پژوهش

بررسی‌های پژوهشگران در رابطه با تصویر ذهنی به اختصار در جدول ۱ بیان شده است.

مبانی نظری

۱. سکونت و ساختمان‌های بلند

مطالعات نشان می‌دهد که افراد ساکن در خانه‌های سنتی علاقه‌ی بیشتری به خانه‌ی خود نسبت به ساکنین مجتمع‌های مسکونی جدید دارند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۳، ۸۵) و این می‌تواند ناشی از تصویر ذهنی روشن و مطلوب ساکنان خانه‌های سنتی باشد. چراکه افراد در خانه‌های سنتی بیشتر با مفهوم سکونت سر و کار دارند (همان، ۸۷)

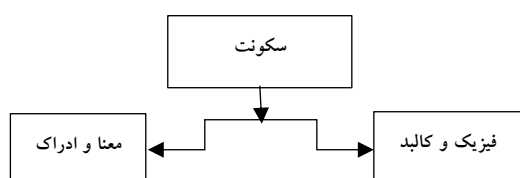
مسکن اسم مکان است و در اصطلاح به مکانی می‌گویند که انسان در آن زندگی می‌کند (قلمبردز فولی و همکاران، ۱۳۹۷، ۹۸). راپاپورت در رابطه با سکونت بیان

جدول ۲: مقایسه‌ی دیدگاه‌های پژوهشگران مختلف

در رابطه با مفهوم سکونت

| | |
|-------------------|--|
| راپاپورت | خانه در وهله‌ی اول یک نهاد است و نه یک سازه و این نهاد برای مقاصد بسیار پیچیده‌ای به وجود آمده است. |
| هایدگر | زمانی سکونت در یکی از سطوح مختلف محیط اتفاق می‌افتد که حس مکان نسبت به آن در ما به وجود بیاید. |
| چرمایف و الکساندر | تامین زندگی خصوصی، مهم است و آدمیان باید در محل زندگی خود هر جا که باشند، خانه آپارتمان، یا هر نوع مسکن دیگر، از آن برخوردار شوند |
| کیسی | یک مکان انسان‌ساخت با محدود کردن فضا نه تنها میزانی از امنیت را فراهم می‌کند؛ بلکه پایه‌ای برای سکونت (در جایی معین) را بنا می‌سازد |
| سیمون و ماگروئر | سکونت کردن، در نهایت، هسته‌ی وجودی اصلی بشر در جهان است و از آن هیچ گریزی نیست. |
| شولتز | هدف از معماری را سکنی گزیدن می‌داند و معتقد است که وقتی بشر سکنی می‌گزیند که بتواند خود را با یک محیط تطبیق داده و با آن هم‌ذات‌پنداری کند. |
| لویناس | سکونت را می‌توان شکوفا شدن و به ثمر رسیدن آن - چه که در نهاد انسان‌هاست، تعریف کرد. انسان با سکونت می‌تواند آنچه را که بالقوه دارد، بالفعل کند |
| مارکوس | سکونت را خلق جهان خود می‌داند. |

با توجه به بررسی‌های صورت‌گرفته، مفهوم سکونت علاوه بر آن که به اهمیت فیزیک و کالبد می‌پردازد، معنا و ادراک نیز در آن بسیار مهم است. بنابراین با توجه به پژوهش‌های انجام‌شده، سکونت در دو بعد معنی پیدا می‌کند که هر کدام مکمل دیگری است.



تصویر ۱: ابعاد سکونت (نگارنگان)

راهبرد بلندمرتبه‌سازی در ارتفاع به عنوان محصول رشد جمعیت و افزایش شهرنشینی و همچنین کمبود زمین مناسب جهت ساخت‌وساز، برای سکونت در دهه‌های اخیر رواج یافته است. رشد و شکل‌گیری این گونه‌ی ساختمانی با توجه به خصوصیات و ویژگی‌های این مساله، طبیعتاً در کنار آثار مثبت آن با محدودیت‌ها و تهدیداتی نیز مواجه است (لطافت، ۱۳۹۷، ۱۸)

رضایتمندی از محیط مسکونی در واقع نشان‌دهنده‌ی رضایت فرد از محیط و رابطه‌ی میان این دو است. در واقع میزان رضایت فرد از محیط، نشان‌دهنده‌ی تعامل میان ویژگی‌های ذهنی و عینی فرد و محیط است

همچنین سیمون^۳ و ماگروئر^۴ بیان می‌کنند که سکونت کردن هسته‌ی وجودی اصلی بشر در جهان است و از آن هیچ گریزی نیست (Seamon & Mugerauer, 1985). از نظر راپاپورت «محل سکونت، لنگرگاه اولیه‌ی فرد را تشکیل می‌دهد» (Rapoport, 1990).

نوربرگ‌شولتز^۵ با اقتباس از نظرات هایدگر درباره‌ی ماهیت وجودی سکونت، هدف از معماری را سکنی گزیدن می‌داند و معتقد است که وقتی بشر سکنی می‌گزیند که بتواند خود را با یک محیط تطبیق داده و با آن هم‌ذات‌پنداری کند. از این رو سکنی گزیدن چیزی بیش از مامن است و دلالت بر فضاهایی دارد که در آن حیاط به عنوان مکان در معنای واقعی کلمه حادث می‌شود (Hale, 2000). او همچنین اشاره دارد که نقش معماری ارائه‌ی خصوصیات کالبدی مکانی است که به شخص اجازه‌ی سکونت می‌دهد و سکونت به معنای حضوری آرام در مکانی محفوظ است (به نقل از Sime, 1986). وی در نهایت، سکونت را "برقراری پیوندی پرمعنا بین انسان و محیطی مفروض" می‌داند که البته این پیوند ناشی از تلاش در جهت هویت‌یابی و احساس تعلق خاطر به یک مکان است (نوربرگ‌شولتز، ۱۳۸۱، ۱۰).

از منظر روان‌شناختی، سکونت به معنایی با درک کیفیت زندگی مرتبط می‌شود. کیفیتی که کریستوفر الکساندر، تلاش برای یافتن آن را، همان چیزی می‌داند که همه‌ی انسان‌ها به دنبال آن می‌گردند و موضوع اصلی در ماجرای زندگی هر کسی است (الکساندر، ۱۳۸۱، ۳۵). سکونت را می‌توان شکوفا شدن و به ثمر رسیدن آن‌چه که در نهاد انسان‌هاست، تعریف کرد. انسان با سکونت می‌تواند آنچه را که بالقوه دارد، بالفعل کند (Levinas, 1971, 156). کوپر مارکوس، سکونت را خلق جهان خود دانسته و معتقد است: "انسان با قبول مسئولیت آفرینش جهانی که برای سکونت انتخاب کرده است، نه تنها ایجاد بی‌نظمی در آن را ایجاد بی‌نظمی در عالم می‌شمارد، بلکه عالم صغیر خود را شبیه جهان خدایان می‌سازد و این چنین بدان خدایان قداست می‌بخشد. به همین علت است که سکونت در هر جا - از ساختن دهکده گرفته تا خانه - نشان‌دهنده‌ی تصمیمی جدی است؛ زیرا پای هستی خود انسان در میان است" (کوپرمارکوس، ۱۳۸۲، ۱۱۳). جدول ۲-۱ دیدگاه‌های پژوهشگران و صاحب‌نظران مختلف را در رابطه با مفهوم سکونت نشان می‌دهد.

ساختمان‌های بلند نیز جهت افزایش حس رضایتمندی ساکنان در گرو مفهوم سکونت در ابعاد کالبدی و معنایی است.

۲. تصویر ذهنی

در مجموع، در رشته‌ی روانشناسی، مطالعه‌ی تصویر ذهنی تاریخچه‌ی نسبتاً پرفراز و نشیبی دارد. مطالعه‌ی پایویو^۷ که در طول ۳۰ تا ۴۰ سال در زمینه‌ی یادگیری و حافظه انجام می‌گرفت، انگیزه‌ی لازم را برای بررسی آزمایشی و نظام‌دار تصویرسازی ذهنی فراهم نمود. یک مناقشه‌ی عمده در مورد بهترین روش فهم ماهیت بنیادین نظام تصویرسازی ذهنی و همچنین، این امر که آیا تصویرسازی ذهنی باید محصول یک نظام قیاسی و یا یک نظام گزاره‌ای تلقی شود، مطرح است (Paivio, 1969, 206).

از نظر تاریخی تصویرسازی ذهنی به عنوان یک روش در برخی از مکاتب روان‌شناسی مورد استفاده قرار گرفته است. جروم سینگر در کتاب خود با عنوان تصویرسازی ذهنی در روان‌شناسی، سنخ‌شناسی مفیدی را ارائه می‌کند که در آن روش‌ها به دو دسته‌ی عمده تقسیم‌بندی می‌شوند. در دسته‌بندی وی، یک دسته از روش‌ها بر تصویرسازی ذهنی روایتی و آزمایشی تاکید دارند و دسته‌ی دیگر بر تفکر منطقی و رویکردهای شناختی. دسته‌بندی اول که شامل فرآیندهای فرویدی و یونگی می‌شود، به شدت به تصویرسازی ذهنی وابسته است و اغلب به صورت تصاویر خیالی و رویاها در نظر گرفته می‌شوند. روش دوم به شکل آشکار، تاکید کمتری بر تصویرسازی نموده است (Singer, 2006, 93). جدول ۲-۲ به اختصار تصویر ذهنی در تاریخ را براساس مطالعات پایویو و سینگر نشان می‌دهد.

جدول ۴: بررسی تصویر ذهنی در تاریخ

| نظریه پردازان | تصویر ذهنی در تاریخ | مؤلفه‌ها |
|----------------------------------|-------------------------------|---|
| مطالعات پایویو (Paivio, 1969) | نظام قیاسی | شباهت تصویرهای دیداری و ادراک دیداری بدون ارتباط به هیچ یک از ابعاد حسی |
| مطالعات جروم سینگر (Singer 2006) | روایتی و آزمایشی | فرآیندهای فرویدی و یونگی و به شدت وابسته به تصویرسازی ذهنی |
| | تفکر منطقی و رویکردهای شناختی | تفکر منطقی و رویکردهای تاکید کمتر بر تصویرسازی |

(Canter, 1983). رضایتمندی مسکونی یک هدف ضروری است و بستگی به آرمان‌ها و تمرکزهای مردم دارد که جهت ارزیابی ادراکات و احساسات ساکنان به کار می‌رود. رضایتمندی بالا هنگامی صورت می‌گیرد که محیط اطراف، نیازها و خواسته‌های افراد را تامین کند. بنابراین روند عملیاتی، ارزیابی رضایتمندی سکونتی شامل جنبه‌های متفاوت خانه و محیط اطراف آن می‌شود. پژوهش درباره‌ی رضایتمندی مسکونی عموماً در زمینه‌ی شاخص‌های کیفیت محیطی درک شده در ترکیب با سوابق ذهنی به کار گرفته می‌شوند (Ha and Weber, 1989).

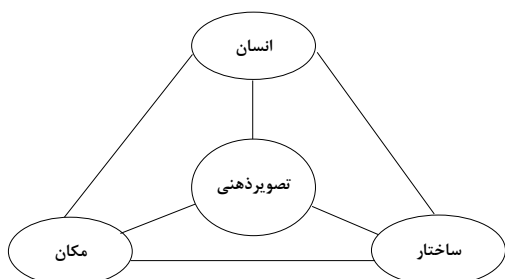
افراد ساکن در خانه‌های سنتی علاقه‌ی بیشتری به خانه‌ی خود نسبت به ساکنین مجتمع‌های مسکونی جدید دارند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۳، ۸۵). چراکه مفاهیم تاثیرگذار بر شکل‌گیری احساس رضایت از خانه از جمله جلوه‌ی بیرونی خانه، رضایت از همسایگی، کیفیت و خوشنامی محله، کیفیات آسایشی و دوام کالبدی خانه و مالکیت (سعادت، ۱۳۹۶) در اکثر مسکن‌های بلندمرتبه دیده نمی‌شود. از این رو مسکن بلندمرتبه فرصت‌ها و تهدیدهایی را فراهم می‌سازد که تمایل یا عدم تمایل به اسکان در ساختمان‌های بلند را فراهم می‌سازد. در جدول ۳ دلایل رضایت و ناراضی‌تی اسکان مردم در ساختمان بلند بیان می‌شود.

جدول ۳. تمایل به اسکان در ساختمان‌های بلند

| دلایل رضایت اسکان مردم در ساختمان بلند | دلایل ناراضی‌تی اسکان مردم در ساختمان بلند |
|---|--|
| دیدها و مناظر زیبا | احساس منزوی بودن و تنهایی و افزایش جرم |
| احساس منحصر بودن در ارتفاع | فقدان محرمت |
| محرمت و سکوت | احساس ترس ساکنان |
| اعتبار و جایگاه | تراکم ساختمانی بیش از حد |
| - | دسترسی نامناسب به خدمات عمومی |
| - | کمیبود روابط اجتماعی |
| - | عدم مشارکت و استفاده از فضاهای سبز جمعی |
| - | تراکم ساختمانی بیش از حد |
| - | دسترسی نامناسب به خدمات عمومی |
| - | انقطاع دید به وسیله‌ی ساختمان‌های بلند |
| - | ناهماهنگی با بافت اطراف |
| موارد دلایل ناراضی‌تی ساکنان در ساختمان‌های بلند، عدم احساس امنیت در آن‌ها به وجود می‌آورد. | |

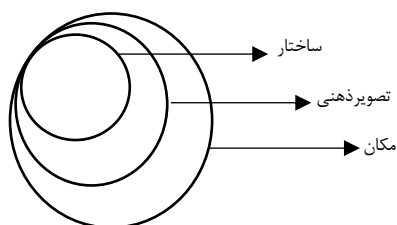
(Harber, 1977; Benson, Hansen & etc 1998; Johnson, 2002; Conway & Adams, 1977; Helleman & Wassenberg, 2004, Blake, 1977)

رویدادها، مکان و زمان، ارتباط با مفاهیم غیرفضایی و ارزش‌ها (حبیب، ۱۳۸۰). می‌توان نتیجه گرفت از آن‌جا که ساختار زیرمجموعه‌ی تصویر ذهنی و همین‌طور تصویر ذهنی زیرمجموعه‌ی مکان می‌باشد، بنابراین ساختار، زیرمجموعه‌ی مکان نیز خواهد بود (تصویر ۲).



تصویر ۲: ساختار زیرمجموعه‌ی مکان (غربا و طبیبیان، ۱۳۹۶)

درواقع ساختار روشن، زنده و پیوسته علاوه‌بر این‌که می‌تواند تصویری دقیق به وجود آورد، بلکه می‌تواند تداعی‌کننده‌ی مکان نیز باشد و همین‌طور می‌تواند برای خاطرات مشترک و تعاملات جمعی ساکنان مکان، ماده‌ی خام فراهم آورد (تصویر ۳) (غربا و طبیبیان، ۱۳۹۶، ۱۰۷).



تصویر ۳: ارتباط تصویر ذهنی و مکان (غربا و طبیبیان، ۱۳۹۶، ۱۰۷)

از لحاظ مفهومی، بسیاری از نظریه‌های تصویرسازی مکان بین مؤلفه‌های شناختی^۱ و ارزیابانه^۲ تصویر تمایز قائل شده‌اند. مؤلفه‌ی شناختی یا جنبه‌ی اطلاعاتی به طبقه بندی‌های عناصر شناختی محیط مرتبط می‌شود. جنبه‌ی ارزیابانه در رابطه با احساسات، ارزش‌ها و معانی و یا آن‌چه که درباره‌ی یک مکان احساس می‌شود، معنا پیدا می‌کند. مؤلفه‌ی ارزیابانه، خود به دو قسمت مختلف تقسیم می‌شود: ارزیابی و عاطفی (مرتبط به ترجیحات). چنین تصاویر و معانی ذهنی اغلب به عنوان یک تصویر مشترک یا تصاویر دسته جمعی به اشتراک گذاشته شده در نظر گرفته می‌شود (Richards and Wilson, 2004).

همان‌طور که قبلاً نیز گفته شد، پژوهشگران به مطالعه‌ی تصویر ذهنی در سطح شهر و از نظر شهروندان پرداخته‌اند. ساختمان‌های بلند مسکونی یک شهر در مقیاس کوچک است. از این‌رو عناصر شهر می‌تواند قابل تطبیق با عناصر لینچ باشد.

جدول ۵: عناصر ساختمان‌های بلند در تطبیق با عناصر لینچ

| ردیف | عناصر لینچ | عناصر ساختمان‌های بلند در تطبیق با عناصر لینچ |
|------|------------|--|
| ۱ | راه‌ها | تمامی محل‌های گذر از جمله راهروهای دسترسی |
| ۲ | لبه‌ها | کناره‌های داخلی و خارجی ساختمان از جمله ورودی |
| ۳ | محله | فضاهای نیمه عمومی از جمله فضاهای مکث و استراحت و فضاهای عمومی از جمله پارکینگ، پشت بام، حیاط، لابی |
| ۴ | نشانه | فضای قابل مطرح در ساختمان از جمله واحد مسکونی |
| ۵ | گره | نقاط اتصال از جمله راه پله‌ها، آسانسور، حیاط‌های خلوت |

(نگارندگان براساس لینچ)

۲-۱. ارتباط بین محیط و تصویر ذهنی

تصویر ذهنی انسان از محیط تا حدودی بر رفتار فضایی او تاثیر می‌گذارد. تصویری روشن از محیط به شخص نوعی احساس امنیت می‌دهد (Lynch, 1960) ادوارد رلف معنای مکان را در تصویرهای ذهنی و خاطره‌های مردم و آن را مؤثرترین عامل در هویت مکان می‌داند (Relph, 1916) و کریستین شولتز تصویر ذهنی روشنی را که سبب هویت شخص می‌گردد، در گرو داشتن مکان‌های با معنا می‌داند (Norberg shulz, 1988). شولتز مکان را فضایی تلقی می‌کند که به سبب آن‌ها با محیط ارتباط برقرار می‌کند (شولتز، ۱۳۸۱، ۷۳).

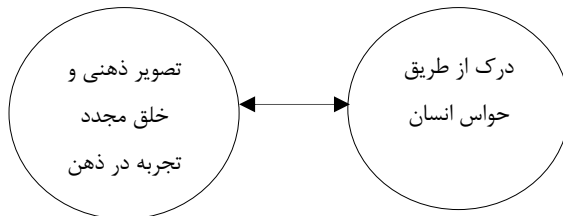
کانتز داشتن تصور از مکان را یکی از مؤلفه‌های مکان می‌پندارد (پاکزاد، ۱۳۹۰). لینچ یکی از مؤلفه‌های شکل‌گیری تصویر ذهنی از محیط را ساختار می‌داند (هویت، ساختار، معنا) (پاکزاد، ۱۳۹۰) و ساختار، یک مفهوم ذهنی و یک مدل شناختی از واقعیت است که بخش عمده‌ای از تصویر ذهنی مردم را شکل می‌دهد (برزگر، ۱۳۸۲). مراحل شکل‌گیری تصویر ذهنی از ساختار عبارت است از: ادراک، شناسایی (بازشناسی و تمایز)، برقراری پیوند بین اجزاء و عناصر آن، برقراری پیوند بین ساختار و فعالیت‌های آن، برقراری پیوند با



تصویر ۴: ارتباط محیط و تصویر ذهنی (نگارندگان)

تأثیر تصویرسازی ذهنی در برمی‌گیرد (Battino, 2007, 122).

افراد هر روز تصویرسازی ذهنی را تجربه می‌کنند. تصویرسازی ذهنی می‌تواند به شکل دیداری، صوتی، چشایی، لامسه، بویایی و حرکتی باشد. یک شیوهی معمول، خلق مجدد تجربه در ذهن است. این امر معمولاً به عنوان تصویرسازی ذهنی مطرح بوده و برای اغلب افراد یک تجربه‌ی کامل و چندوجهی تلقی می‌گردد. همچنین اغلب افراد، آن را یک بعد طبیعی و جز زندگی روزمره‌ی خود دانسته و لزوماً آن را از نزدیک مورد بررسی قرار نمی‌دهند. از دیدگاه روزانه، تصویرسازی ذهنی و حس خود، با یکدیگر فعالیت کرده و در دامنه‌ای از روش‌ها که شامل ارزش، بهاء، تعریف و اثر می‌شود، به تجارب افراد معنا می‌دهد (تصویر ۵) (Stopa, 2009, 23).



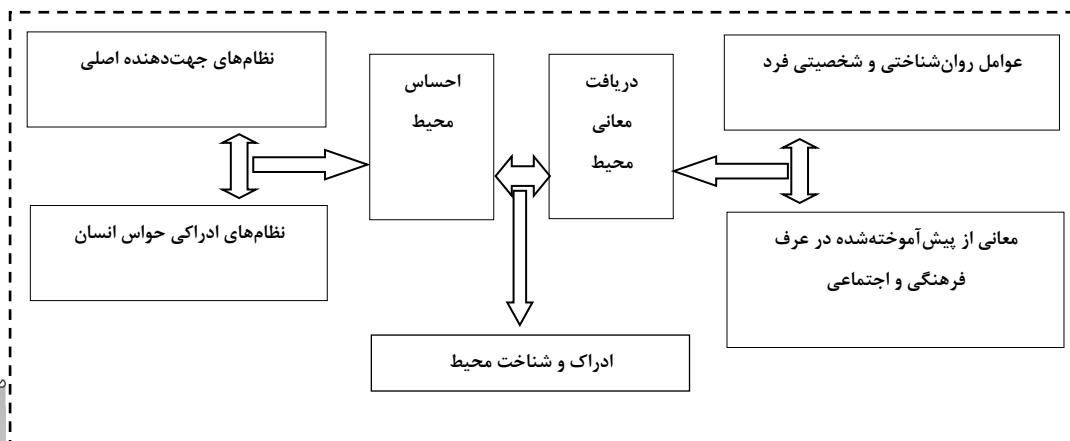
تصویر ۵: ارتباط تصویر ذهنی و خاطرات ایجاد شده در ذهن مردم (نگارنده اقتباس از Stopa, 2009)

بنابراین با توجه به موارد بررسی شده، تصویر ۴ ارتباط محیط و تصویر ذهنی را نشان می‌دهد.

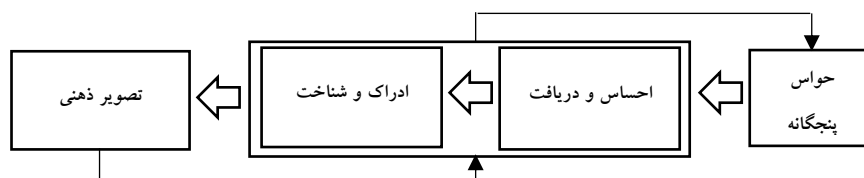
همانطور که در تصویر ۴ مشاهده می‌شود، نه تنها محیط که شامل ساختار و فعالیت و دربردارنده خاطرات است و با ایجاد معنا باعث ایجاد تصویر ذهنی می‌شود؛ تصویر ذهنی نیز روند معکوس را طی می‌کند. بدین ترتیب که در ذهن افراد معنا می‌سازد و تجربه افراد را با محیط شکل می‌دهد؛ در نتیجه خاطره شکل می‌گیرد. سپس ساختار مکان و فعالیت براساس آن صورت می‌گیرد و محیط مشخصی تعریف می‌شود.

۲-۲- ارتباط بین حواس انسان و تصویر ذهنی

انسان از مکان‌های متفاوت، تصویرهای ذهنی متفاوتی در ذهن دارد، احساسات او می‌تواند بر روی ادراکات او از محیط و شکل‌گیری تصویر ذهنی از مکان تأثیرگذار باشد (غربا و طبیبیان، ۱۳۹۶، ۱۰۷). اصطلاح تصویرسازی به تمام حواسی اشاره می‌کند که در ایجاد یک تصویر ذهنی از چیزی که واقعا وجود ندارد، درگیر هستند. انسان‌ها تمایل چشم‌گیری به تجسم کردن دارند، اما تصویرسازی به حس شنیدن، لمس کردن، بوییدن، ادراک عضلانی و غیره مربوط می‌شود. تصویرسازی ذهنی واژه‌ای است که معمولاً برای تبیین سازوکارهای استفاده از تصورات ذهنی به کار می‌رود و مراحل لازم را برای



تصویر ۶: مدل ادراک و شناخت اکولوژیک (همان، ۲۱۶)



تصویر ۷. ارتباط تصویر ذهنی و حواس پنجگانه انسان (نگارندگان)

ساختمان‌ها می‌تواند عملکرد فرهنگی و گرایش مذهبی را نشان دهد (Rapoport, 1969, 50-51).

عناصر کالبدی از طریق ایجاد تمایز محیطی، ارتباط درون و بیرون در فضاها به ایجاد تصویر ذهنی در افراد می‌پردازند (لینچ، ۱۳۹۵، ۲۵). از سوی دیگر عناصر کالبدی از طریق هم‌سازی و قابلیت تامین نیازهای انسان در مکان در ایجاد تصویر ذهنی تاثیرگذار است (مطلبی، ۱۳۸۵) و محیطی که در ذهن واضح و مشخص باشد، نه تنها احساس امنیت به وجود می‌آورد، بلکه عمق و شدت تجارب انسانی را افزون می‌کند (لینچ، ۱۳۹۵، ۱۶ و ۱۵). بنابراین در طراحی محیط‌های ساخته شده، تصاویر ذهنی افراد - که نحوه‌ی شکل‌گیری آن متأثر از فرهنگ است - می‌تواند مسیر روشن‌تری را در اختیار طراحان قرار دهد. بنابراین، عوامل کالبدی که از عوامل اصلی تصویر ذهنی است، ارتباط مستقیمی با فرهنگ دارد.

عوامل ادراکی - روان‌شناختی ارتباط عاطفی فرد با محیط را دربرمی‌گیرد که فرهنگ، نمادها و نشانه‌های اجتماعی در آن از اهمیت بالایی برخوردار است. محیط به عنوان بستر فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی است که افراد، عناصر کالبدی را براساس ادراک و نظام ساختارشنکی خود کشف، تفسیر و تعبیر می‌کنند (جوان‌فروزنده، ۱۳۹۰). با توجه به سه منظر اصلی فرهنگ (شیوه‌ی زندگی، نظامی از نمادها و معانی مجموعه‌ای از صدور ذهنی ادراکی، مجموعه راهبردهایی که آن گروه، بسته به وضع بوم و منابع، برای بقا اتخاذ کرده‌اند) (راپاپورت، ۱۳۸۲، ۶۹)، فرهنگ، عوامل ادراکی و روان‌شناختی تصویر ذهنی را دربرمی‌گیرد. در این دسته از عوامل، عناصر کالبدی نظیر فرم‌ها شامل اشکال، بافت و رنگ از لایه‌های محیط نقش ارتباطی با استفاده‌کنندگان ایفا می‌نمایند که هر یک براساس داده‌های فرهنگی در طول تاریخ معماری محیط به دست آمده و حاوی معنای خاص خود می‌باشد (جوان‌فروزنده، ۱۳۹۰). بنابراین از آنجا که عوامل ادراکی و روان‌شناختی از عوامل اصلی تصویر ذهنی است و زیرمجموعه‌ی فرهنگ قرار دارد، بنابراین تصویر ذهنی نیز می‌تواند زیرمجموعه‌ی فرهنگ قرار گیرد.

براساس مدل اکولوژیک، ادراک معنی و مفهوم آن‌چه احساس و ادراک می‌شود، پیش از آن در عرف فرهنگی و اجتماعی هر محیط آموخته شده‌اند و در واقع براساس مدل اکولوژیک ادراک و شناخت، ویژگی‌های الگوی محیط ساخته‌شده، با حواس انسان و باتوجه به نظام جهت‌دهنده، احساس و ادراک می‌شود، اما معانی باید آموخته شوند (تصویر ۶) (شاهچراغی و بندآباد، ۱۳۹۶، ۲۱۵).

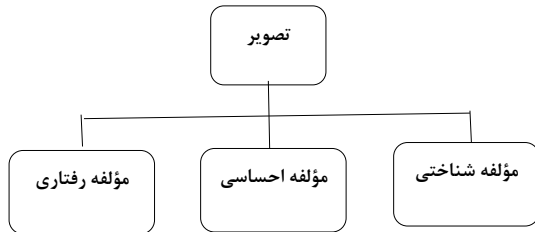
باتوجه به مدل فوق، عوامل روان‌شناختی از ابعاد غیرقابل چشم‌پوشی در ادراک محیط می‌باشد. تحلیل محیط براساس نظام‌های جهت‌دهنده و نظام ادراکی حواس می‌تواند نشان دهد که چگونه یک غنای حسی، معانی از پیش‌آموخته و از پیش تجربه شده را برای فرد تداعی می‌کند (همان، ۲۱۶). با توجه به موارد بررسی شده، تصویر ۷ ارتباط تصویر ذهنی انسان و حواس پنجگانه انسان را بیان می‌کند.

باتوجه به تصویر ۷، حواس پنجگانه احساس و دریافت می‌شود و پس از ادراک و شناخت بر ایجاد تصویر ذهنی تاثیر می‌گذارد. تصویر ذهنی نیز با طی کردن روندی معکوس، می‌تواند بر نحوه تجربه حواس پنجگانه انسان تاثیرگذار باشد.

۳-۲- ارتباط عوامل تصویر ذهنی و فرهنگ

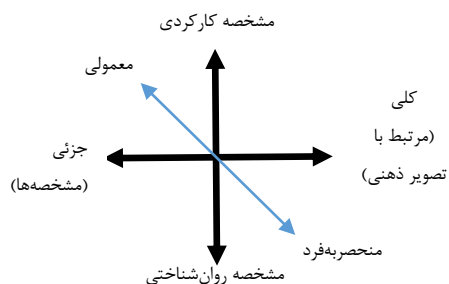
عوامل کالبدی در دسته بندی محیط به دو عامل مهم فعالیت و شکل می‌پردازند. فعالیت‌های حاکم در یک محیط را بر اساس عوامل اجتماعی، کنش‌ها و تعاملات عمومی انسانها تعریف می‌کنند (مطلبی، ۱۳۸۵) که تمامی این موارد یکی از لایه‌های چهارگانه فرهنگی از نظر راپاپورت می‌باشد (Rapoport, 2009). شکل را به همراه متغیرهای فرم و ساماندهی اجزاء به عنوان مهمترین عوامل در شکل‌گیری تصویر ذهنی ارزیابی می‌نمایند (مطلبی، ۱۳۸۵). راپاپورت تاکید می‌کند که شکل در زمینه، معنی پیدا می‌کند و برای فهم این معنی نیاز به شناخت آن فرهنگ است (راپاپورت، ۱۳۸۴). همان‌طور که قبلاً گفته شد، راپاپورت فرم‌های منطقه را بخش مهمی از فرهنگ اولیه می‌داند که دربرگیرنده طبیعت نمادی ساختمان‌هاست. همچنین فرم خانه‌ها و

مشخصات فضای شهری را شناسایی یا درک می‌کند و عناصر احساسی نگرش و احساسات فرد نسبت به فضای شهری را بیان می‌کند که به واسطه‌ی تجارب گذشته مرتبط با آن مکان، ساکنان و اهداف و سازمان‌های مرتبط با آن توسعه می‌یابد (تصویر ۱۰) (Gartner,1996,457, Martinez et al,2007,338).



تصویر ۱۰. مؤلفه‌های تصویر ذهنی از نظر گارتنر (Gartner,1996,457).

ماتوس و همکاران^{۱۶} (۲۰۱۲) براساس نظریات مختلف در تصویر مقصد، ارائه دادند که در آن عوامل تشکیل‌دهنده‌ی تصویر را به دو بخش غیرقابل کنترل و قابل کنترل تقسیم کردند. از نظر ایشان عوامل غیرقابل کنترل شامل فاکتورهای شخصی (انگیزه، تجربه‌ی گذشته) و محرک‌های خارجی (ساکنین، فاصله‌ی زمانی و فضایی و ارائه‌دهندگان خدمات) و عوامل قابل کنترل شامل محرک‌های خارجی، فعالیت‌های تبلیغاتی، مسیرهای دسترسی و زیرساخت‌های گردشگری است. اچنر و ریچی در حوزه‌ی مطالعات تصویر، سه طیف (۱) ویژگی جزئی-کل‌نگر؛ (۲) کارکردی-روان‌شناختی؛ (۳) معمولی-منحصر به فرد را نام می‌برند (Echtner & Ritche,1991,41) (تصویر ۱۱).

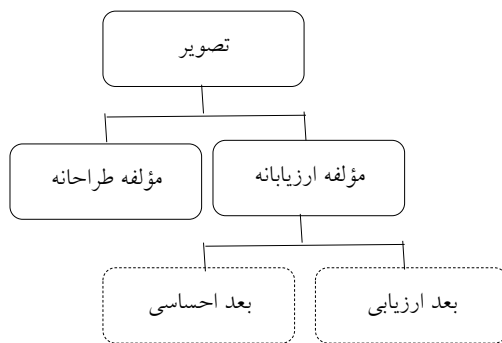


تصویر ۱۱: مدل اچنر و ریچی (Echtner & Riche,1991)

طیف اول به این معناست که ادراک افراد نسبت به یک پدیده‌ی بیرونی به شکل یک طیف است که هم

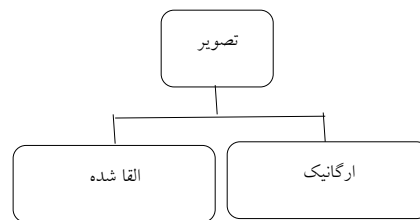
۳. مدل‌های بررسی شده تصویر ذهنی در سطح شهر توسط پژوهشگران

پاکوک^{۱۷} و هودسون^{۱۱} (۱۹۷۸) تصویر شهر را با دو عنوان طراحانه و ارزیابانه تقسیم‌بندی کردند (Richard & Wilson,2004,1934). مؤلفه‌ی طراحانه مرتبط با کیفیت‌های کالبدی و بصری محیط و مؤلفه‌ی ارزیابانه مرتبط با معنای برانگیخته شده به وسیله‌ی فرم کالبدی است که به دو بخش ارزیابی توسط ناظر و احساسات و عواطفش قابل شناسایی است (تصویر ۸)



تصویر ۸. مدل مؤلفه‌های تصویر از نظر پاکوک و هودسون (Richard & Wilson,2004,1934)

از طرف دیگر تصویر می‌تواند به واسطه‌ی اطلاعات از افراد مختلف، روزنامه، مجله یا تلویزیون یا تحت تاثیر تبلیغات مؤسسات گردشگری مانند بروشور و تبلیغات آژانس‌های مسافرتی شکل گیرد. براین اساس گان^{۱۲} (۱۹۸۸) دو نوع تصویر ارگانیک و القا شده را در مطالعات تصویر مقصد مطرح می‌کند (تصویر ۹)



تصویر ۹. مدل مؤلفه‌های تصویر از نظر گان (با اقتباس از گان، ۱۹۸۸)

فکیه^{۱۳} و کرامپتن^{۱۴} (۱۹۹۱) بر پایه‌ی نظر گان، تصویر شکل گرفته به واسطه‌ی حضور بازدیدکننده در محیط واقعی را تصویر تکمیلی نامیدند. گارتنر^{۱۵} تصویر را دارای سه مؤلفه‌ی شناختی، احساسی و رفتاری می‌داند که تقریباً شبیه جنبه‌های طراحانه و ارزیابانه است. عناصر شناختی شامل ویژگی‌هایی هستند که با آن فرد

یافته‌های پژوهش

گام اول: بررسی و شناسایی عوامل کالبدی و روانشناختی مؤثر بر تصویر ذهنی ساکنان با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی برای بررسی و شناسایی عوامل کالبدی و روانشناختی مؤثر بر تصویر ذهنی ساکنان با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی به شناسایی و اکتشاف عامل‌های تحقیق پرداخته می‌شود که در ادامه به طور مبسوط اشاره شده است:

جدول ۶: شاخص KMO و آزمون بارتلت و سطح

| معناداری عوامل کالبدی | | | |
|---|-----------|--------------|--------------|
| مجموعه مورد تحلیل | مقدار KMO | مقدار بارتلت | سطح معناداری |
| عوامل کالبدی (جزئی و کلی) مؤثر بر تصویر ذهنی ساکنان | ۰/۷۶۶ | ۱۸۴/۱۵ | ۰/۰۰۱ |

جدول ۷: شاخص KMO و آزمون بارتلت و سطح

| معناداری عوامل روانشناختی | | | |
|---|-----------|--------------|--------------|
| مجموعه مورد تحلیل | مقدار KMO | مقدار بارتلت | سطح معناداری |
| عوامل روان-شناختی مؤثر بر تصویر ذهنی ساکنان | ۰/۸۶۷ | ۶۵۸/۵۵ | ۰/۰۰۱ |

مقادیر بیشتر از ۰/۷ برای KMO، دلالت بر امکان-پذیر بودن انجام تحلیل عاملی بوده و می‌توان داده‌ها را به یک سری عامل‌های پنهان تقلیل داد (حبیب پور، صفری، ۱۳۸۸). همان‌طور که آزمون کفایت نمونه KMO با مقدار ۰/۷۶۶ نشان می‌دهد که این مقدار بالاتر از ۰/۷ است. بنابراین انجام تحلیل عاملی برای این داده‌ها امکان‌پذیر است. همچنین نتیجه آزمون بارتلت در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۵ معنی‌دار است و نشان می‌دهد که ماتریس همبستگی بین گویه‌ها همبستگی و واحد نیست. به عبارت دیگر، بین گویه‌های داخل هر عامل، همبستگی بالایی وجود دارد و بین گویه‌های یک عامل با عامل دیگر هیچگونه همبستگی وجود ندارد (حبیب پور، صفری، ۱۳۸۸). از این رو تحلیل عاملی برای کشف ساختار جدید از داده‌ها (ساختار عاملی) مناسب است. علاوه بر آن، سطح معناداری، ۰/۰۰۱ به دست آمده است و این نشان می‌دهد که می‌توان اطمینان بیشتری به واقعی بودن رابطه‌ی مشاهده شده در نمونه داشت.

شامل عناصر جزئی و ابعاد متعدد می‌شود و هم ادراک کلی را به فرد القا می‌کند. بعد کلی از آن جهت اهمیت دارد که به ما می‌گوید که یک پدیده‌ی خاص چگونه در ذهن یک فرد طبقه‌بندی می‌شود و این طبقه‌بندی با چه تصاویر ذهنی متداولی همراه خواهد بود. در طیف دوم، منظور از بعد کارکردی، ابعاد ملموس پدیده و منظور از عناصر روان‌شناختی، ابعاد ناملموس پدیده در ادراک افراد می‌باشد (mackay & Fesenmaier, 1997). طیف سوم به افراد می‌گوید که کدام عناصر در ذهن آن‌ها مشابه سایر پدیده‌هاست و کدام عناصر متفاوت و متمایز است. در حقیقت بعد سوم هم برای ابعاد کارکردی و هم ابعاد روان-شناختی قابل تعمیم است (بهبودی، ۱۳۹۱، ۴۵). در ادامه، به بررسی موارد لازم جهت ارائه‌ی مدل تصویر ذهنی پرداخته می‌شود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف بنیادی است؛ چراکه به دنبال مدل تصویر ذهنی در ارزیابی ساختمان‌های بلند مسکونی است. در این راستا ابتدا با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به تعریف مفهوم سکونت و بررسی آن در ساختمان‌های بلند مسکونی و همچنین تصویر ذهنی پرداخته می‌شود و عوامل آن‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. سپس با رویکرد کمی و با استفاده از پرسشنامه سنجیده می‌شود که کدام عوامل و در چه ابعدی بر تصویر ذهنی در سنجش ساختمان‌های بلند مسکونی مؤثر است. روش گردآوری داده‌های پژوهش، ترکیبی از مطالعات کتابخانه‌ای (نظری) و مطالعات میدانی و پیمایشی مبتنی بر پرسش‌نامه‌ی با سؤالات بسته است. طی فرآیند سه ماهه، پرسشنامه به روش نمونه‌گیری تصادفی در اختیار ۳۸۴ نفر از ساکنان ساختمان‌های بلند مسکونی قرار گرفت. جامعه‌ی آماری در پژوهش حاضر، تمام ساکنان ساختمان‌های مسکونی بالای ۸ طبقه می‌باشد که با توجه به این که این تعداد طبق آمار اداره‌ی مسکن و شهرسازی شهر ارومیه حدود ۱۵۰۰۰ نفر است، جامعه‌ی نمونه از جدول مورگان ۳۷۵ نفر به دست می‌آید. تعداد ۲۹۷ نفر از ساکنان، پرسشنامه را پر کردند که از این تعداد ۹۷ عدد از پرسشنامه‌ها به دلیل ناقص بودن کنار گذاشته شدند. بنابراین ۲۰۰ عدد از پرسشنامه‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نشان‌دهنده‌ی روایی سوالات نیز می‌باشد (شاه‌محمدی، ۱۳۹۱). نتایج تحلیل بر روی سوالات مبتنی بر جدول واریانس کل تبیین شده، تعداد ۱۰ عامل اصلی برای عوامل کالبدی و ۹ عامل اصلی برای عوامل روانشناختی را استخراج کرده است که این عوامل بیش از ۷۲ درصد از واریانس عوامل کالبدی مؤثر بر تصویر ذهنی در ساکنان ساختمان‌های بلند مسکونی را تبیین می‌کند. برای دسته‌بندی عوامل و تعیین عوامل کالبدی مؤثر بر تصویر ذهنی ساکنان از روش تحلیل عامل اکتشافی استفاده شده است که هدف از آن، ایجاد ساختار یا الگویی کلی میان متغیرهاست. در تحلیل عامل اکتشافی، محقق سعی می‌کند از بارهای عاملی برای تشخیص متغیرهای اصلی استفاده کند. درخصوص تشخیص هر عامل، ضریب همبستگی بالاتر از ۴۰ درصد و نتایج آزمون ماتریس چرخش یافته، ملاک تصمیم‌گیری قرار گرفته است. نتایج آزمون نشان می‌دهد که مسائل بررسی شده را می‌توان در این عوامل گنجانده (جدول ۱۰ و ۱۱).

جدول ۱۰: واریانس کل تبیین شده عوامل کالبدی

| مقادیر ویژه اولیه | درصد تجمعی ^{۱۹} درصد واریانس کل | | |
|-------------------|--|--------|--------------|
| | جزء | کل | درصد واریانس |
| ویژگی‌های فرم | ۲۴/۳۵۳ | ۴۱/۹۸۸ | ۴۱/۹۸۸ |
| خوانایی | ۳/۸۹۶ | ۶/۷۱۷ | ۴۸/۷۰۵ |
| کاربرد و فعالیت | ۲/۲۶۸ | ۳/۹۱۱ | ۵۲/۶۱۶ |
| زیبایی | ۱/۹۷۳ | ۳/۴۰۱ | ۵۶/۰۱۷ |
| زیست محیطی | ۱/۶۷۰ | ۲/۸۷۹ | ۵۸/۸۹۵ |
| ایمنی فنی | ۱/۶۵ | ۲/۸۷۰ | ۶۱/۷۶۶ |
| نور و روشنایی | ۱/۶۰ | ۲/۷۶۰ | ۶۴/۵۲۶ |
| دید و منظر | ۱/۵۸ | ۲/۷۰۱ | ۶۷/۲۲۷ |
| چیدمان | ۱/۵۵ | ۲/۶۳۲ | ۶۹/۸۵ |
| مصالح | ۱/۵۰ | ۲/۵۴۳ | ۷۲/۴۰۲ |

جدول ۱۱: واریانس کل تبیین شده عوامل روانشناختی

| مقادیر ویژه اولیه | درصد تجمعی درصد واریانس کل | | |
|-------------------|----------------------------|--------|--------------|
| | عوامل | کل | درصد واریانس |
| امنیت | ۲۰/۲۶۷ | ۳۹/۲۰۰ | ۳۹/۲۰۰ |
| آرامش | ۳/۵۴۲ | ۴/۳۰۷ | ۴۳/۵۰۷ |
| سرزندگی | ۲/۱۱۶ | ۳/۲۶۵ | ۴۶/۷۷۲ |
| سادگی | ۱/۹۰۷ | ۳/۰۵ | ۴۹/۸۲۲ |
| همه‌انگهی | ۱/۶۰۹ | ۲/۸۰۰ | ۵۲/۶۲۲ |
| پیچیدگی | ۱/۵۱۲ | ۲/۰۹۰ | ۵۴/۷۱۲ |
| یادآوری خاطرات | ۱/۴۲۳ | ۱/۹۶۵ | ۵۶/۶۷۷ |
| لذت‌بخشی | ۱/۳۶۵ | ۱/۳۴۷ | ۵۸/۰۲۴ |
| زیبایی | ۱/۲۰۹ | ۱/۱۰۲ | ۵۹/۱۲۶ |

گام دوم: شناخت سهم مجموعه عامل‌ها در تبیین واریانس^{۱۷} هرگویه (جدول اشتراکات^{۱۸})

این جدول که به جدول اشتراکات نیز مشهور است از دو ستون تشکیل شده است. ستون اولیه، نشان‌دهنده‌ی کل واریانس برای هرگویه قبل از استخراج عامل‌هاست که این مقدار برای همه ۱ است. ستون استخراج نشان‌دهنده‌ی مقداری از واریانس هر متغیر می‌باشد که مجموعه‌ی عوامل مورد نظر توانسته‌اند آن را تبیین کنند. مقدار این واریانس بین ۰ تا ۱ نوسان دارد. هرچه مقادیر به عدد ۱ نزدیک باشد عامل‌های استخراج شده متغیرها را بهتر نشان می‌دهند. به عنوان یک قاعده‌ی کلی، متغیرهایی را که عامل‌ها نتوانسته‌اند بالاتر از ۰/۵۰ از تغییرات آن را تعیین کنند، تعدیل و یا از مجموعه متغیرها حذف می‌شوند تا بعداً در انتخاب و دسته‌بندی عامل‌ها مشکلی ایجاد نکنند (حبیب‌پور، صفری، ۱۳۸۸). جدول ۸ و ۹، جدول اشتراکات پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۸: جدول اشتراکات عوامل کالبدی

| شماره سوال | اولیه | استخراج |
|-----------------|-------|---------|
| ویژگی‌های فرم | ۰/۷۲۱ | ۱،۰۰۰ |
| خوانایی | ۰/۷۱۴ | ۱،۰۰۰ |
| کاربرد و فعالیت | ۰/۷۱۱ | ۱،۰۰۰ |
| زیبایی | ۰/۷۰۷ | ۱،۰۰۰ |
| زیست محیطی | ۰/۷۶۷ | ۱،۰۰۰ |
| ایمنی فنی | ۰/۶۳۶ | ۱،۰۰۰ |
| نور و روشنایی | ۰/۷۳۱ | ۱،۰۰۰ |
| دید و منظر | ۰/۶۶۲ | ۱،۰۰۰ |
| چیدمان | ۰/۷۲۱ | ۱،۰۰۰ |
| مصالح | ۰/۶۸۷ | ۱،۰۰۰ |

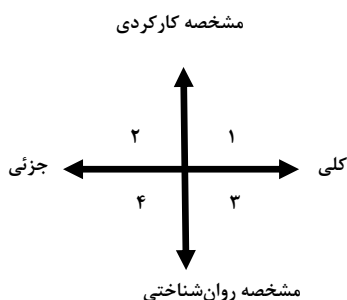
جدول ۹: جدول اشتراکات عوامل روانشناختی

| شماره سوال | اولیه | استخراج |
|----------------|-------|---------|
| امنیت | ۰/۷۰۲ | ۱،۰۰۰ |
| آرامش | ۰/۷۱۷ | ۱،۰۰۰ |
| سرزندگی | ۰/۷۱۶ | ۱،۰۰۰ |
| سادگی | ۰/۷۰۰ | ۱،۰۰۰ |
| همه‌انگهی | ۰/۷۰۸ | ۱،۰۰۰ |
| پیچیدگی | ۰/۷۹۲ | ۱،۰۰۰ |
| یادآوری خاطرات | ۰/۷۶۵ | ۱،۰۰۰ |
| لذت‌بخشی | ۰/۷۷۰ | ۱،۰۰۰ |
| زیبایی | ۰/۷۳۶ | ۱،۰۰۰ |

گام سوم: مقدار کل واریانس تبیین شده

جدول ۴-۷ که به جدول کل واریانس تبیین شده مشهور است، نشان می‌دهد که متغیرهای موجود، قابل تبدیل به عامل هستند و این عامل‌ها چند درصد از واریانس مورد نظر را تبیین و پوشش می‌دهند و این مورد

ایجاد کند. از این‌رو مدل ارائه‌شده برای تصویر ذهنی در ارزیابی ساختمان‌های بلند مسکونی به صورت زیر است:



تصویر ۱۲: مدل تصویر ذهنی در ارزیابی ساختمان‌های بلند مسکونی

همان‌طور که در مدل ارائه‌شده مشخص است، ۴ بعد برای ارزیابی تصویر ذهنی در ساختمان‌های بلند مسکونی ضروری به نظر می‌رسد. (۱) بعد کارکردی-کلی که به ابعاد کالبدی معماری به صورت کلی‌تر می‌پردازد. (۲) بعد کارکردی-جزیی که به ابعاد تفصیلی منظرهای متفاوت از کالبد ساختمان‌های بلند پرداخته می‌شود. (۳) بعد روانشناختی-کلی که در آن احساس‌هایی که فضاهای مختلف به صورت کلی به ساکنان القا می‌کنند، سنجیده و بررسی می‌شود. (۴) بعد روانشناختی-جزیی که در آن به عوامل روانشناختی به صورت جزئی‌تر از جمله تأثیرگذاری عوامل فرهنگی، اجتماعی، مذهبی، بومی و اعتقادی بر تصویر ذهنی ساکنان پرداخته می‌شود. لذا مدل ارائه‌شده برای تصویر ذهنی در ارزیابی ساختمان‌های بلند مسکونی جهت دستیابی به رضایت بیشتر می‌تواند پاسخگو باشد.

منابع و ماخذ

آیدی، دن و کوون، تامس و مکنزی، دونالد و هکینگ، یان و هایدگر، مارتین. ۱۳۹۳. فلسفه‌ی تکنولوژی، ترجمه‌ی شاپور اعتماد. نشر مرکز. تهران

الکساندر، ک. ۱۳۸۱. معماری و راز جاودانگی، ترجمه‌ی مهرداد قیومی بیدهندی. انتشارات دانشگاه شهیدبهشتی. تهران.

برزگر، محمدرضا. ۱۳۸۲. شهرسازی و ساخت اصلی شهر، کوشامهر، شیراز

پاکزاد، جهان‌شاه. ۱۳۸۶. مقالاتی در باب مفاهیم معماری و طراحی شهری. انتشارات شهیدی. تهران

این بررسی‌ها نشان می‌دهد که ضروری است عوامل تصویر ذهنی در دو بخش کالبدی و روانشناختی بررسی شوند. علاوه‌برآن بررسی‌ها نشان می‌دهد تمامی عوامل یک بار به صورت کلی برای ساختمان‌های بلند مسکونی و بار دیگر به صورت جزئی برای تک‌تک فضاهای ساختمان‌های بلند مسکونی مورد بررسی و پردازش قرار می‌گیرند.

لذا با توجه به بررسی‌های صورت‌گرفته، مدل اجنر و ریچی کامل‌ترین مدلی است که می‌تواند در ارزیابی ساختمان‌های بلند مسکونی به کار رود؛ چراکه شامل ابعاد کارکردی-کلی و کارکردی-جزیی است که به بررسی عوامل کالبدی و ابعاد روانشناختی-کلی و روانشناختی-جزیی است که به بررسی عوامل روانشناختی می‌پردازد.

نتیجه‌گیری

پژوهش انجام‌شده، به ارائه‌مدل برای تصویر ذهنی جهت ارزیابی ساختمان‌های بلند مسکونی می‌پردازد و فضاهای آن‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. در این راستا، علاوه بر بررسی مفهوم سکونت و ساختمان‌های بلند و تصویر ذهنی، به بررسی انواع مدل‌های ارائه شده تصویر ذهنی در سطح شهر پرداخته شده است. تمامی مدل‌ها با در نظر گرفتن ادراک شهروندان در سطح شهر ارائه شده‌اند و از آنجا که ساختمان‌بلند نیز یک شهر در مقیاس کوچک‌تر است، این مدل‌ها می‌توانند در سنجش ادراک ساکنان ساختمان‌های بلند نیز مؤثر باشند. همان‌طور که جدول ۵ نشان می‌دهد عناصر شهر قابل تطبیق با عناصر ساختمان‌های بلند هستند. علاوه بر آن مطالعات میدانی پژوهش نشان داد که تصویر ذهنی در ساختمان‌های بلند نیز لازم است در دو بعد کالبدی و روانشناختی ارزیابی شود و از آنجا که ساکنان، به محل زندگی خود حساسیت بیشتری نسبت به فضاهای شهری دارند دو بعد جزئی و کلی نیز به مدل ارزیابی لازم است اضافه گردد. از این‌رو با توجه به بررسی مدل‌های مختلف از تصویر ذهنی، مدل اجنر و ریچی با اندکی تغییر و حذف طیف سوم با اهداف تصویر ذهنی در ارزیابی ساختمان‌های بلند مسکونی بیشترین مطابقت را دارد، چرا که هم ابعاد کالبدی و روانشناختی را دربردارد و هم به این ابعاد به صورت کلی و جزئی‌تر می‌پردازد. گرچه در ساختمان‌های بلند عواملی به صورت کلی رضایت ساکنان را فراهم می‌آورد، اما در فضاهای مختلف، کمی تفاوت وجود دارد و امکان دارد احساس‌های متفاوتی را نیز در افراد

- جوان فروزنده، علی و مطلبی، قاسم. ۱۳۹۰. مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده آن. نشریه هویت شهر. شماره ۸، ۲۷-۳۷.
- چرمایف، سرژیوس ایوان و الکساندر، کریستوفر. ۱۳۷۶. عرصه‌های زندگی جمعی و زندگی خصوصی به جانب یک معمار انسانی. ترجمه منوچهر مزینسی. دانشگاه تهران. تهران.
- حبیب‌پورگتایی، کرم و صفری‌شالی، رضا. ۱۳۸۸. راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی (تحلیل داده‌های کمی). تهران. ناشر: لویه حبیب، فرح. ۱۳۸۵. کندوکاوی در معنای شکل شهر. هنرهای زیبا، شماره ۳۵، ۵-۱۴.
- حیدری، علی اکبر و مطلبی، قاسم و نگین تاجی، فروغ. ۱۳۹۲. تحلیل بعد کالبدی حس تعلق به مکان در خانه‌های سنتی و مجتمع‌های مسکونی امروزی. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳، ۷۵-۸۶.
- راپاپورت، آموس. ۱۳۶۶. منشا فرهنگی مجتمع‌های زیستی. ترجمه راضیه رضازاده. جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت ایران. تهران.
- راپاپورت، آموس. ۱۳۸۴. معنی محیط ساخته شده: رویکردی در ارتباط غیرکلامی. ترجمه فرح حبیب. انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری. تهران.
- سعادت، سیده‌پوراندخت. ۱۳۹۶. تبیین فرآیند و عوامل شکل‌گیری دلبستگی انسان به خانه معاصر در ایران. پایان‌نامه دکتری تخصصی معماری اسلامی. دانشگاه هنر اصفهان. اصفهان.
- شاه‌محمدی، عبدالرضا. ۱۳۹۱. درآمدی بر روش تحقیق. تهران. ناشر: فریش
- شاهچراغی، آزاده و بندرآباد، علیرضا. ۱۳۹۶. محاط در محیط. کاربرد روان‌شناسی محیطی در معماری و شهرسازی. انتشارات سازمان جهاد دانشگاهی. تهران.
- شاه‌محمدی، عبدالرضا. ۱۳۹۱. درآمدی بر روش تحقیق. تهران. ناشر: فریش
- غربا، ندا و طبیبیان، منوچهر. ۱۳۹۶. تدوین مدل کاربردی تبیین ساختار ذهنی نقشه‌های شناختی مردم از طریق تحلیل‌های ریخت‌شناختی-فضایی بافت‌های شهری موجود نمونه موردی: بافت تاریخی شهر کرمان. نشریه باغ نظر، شماره ۵۴، ۳۳-۴۶.
- فرح‌پورباصر، سویل، موسوی، میرسعید و اکبری‌نامدار، شبنم. ۱۴۰۰. بازشناسی عوامل مؤثر بر کالبد فضاهای مسکونی و سنجش میزان رضایتمندی ساکنان مجتمع‌های مسکونی از کیفیت کالبدی محیط
- مسکونی (موردشناسی: مجتمع مسکونی آسمان تبریز). جغرافیا و آمایش شهری منطقه‌ای. شماره ۴۱، ۱۲۰-۱۴۹.
- قلمبردزفولی، مریم و نقی‌زاده، محمد و ماجدی، حمید. ۱۳۹۷. تبیین مبانی عوامل مؤثر بر شاخص‌های کیفی مسکن. نشریه هویت شهر. شماره ۳۶، ۹۷-۱۱۱.
- کوپرمارکوس، ک. ۱۸۲. خانه نماد خویشتن. ترجمه‌ی احمد عقیلیان. خیال ۵، فصلنامه فرهنگستان هنر.
- لطف، شیما. ۱۳۹۷. تبیین رابطه میان احساس رضایتمندی و فضاهای داخلی مسکونی در ساختمان‌های بلند (نمونه موردی: برج سفید ۱ و ۲ تنکابن)، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد معماری داخلی. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد رامسر.
- لنگ، جان. ۱۳۸۵. طراحی شهری. ترجمه‌ی سید حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران
- مطلبی، قاسم. ۱۳۸۰. روانشناسی محیطی. دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری. نشریه هنرهای زیبا. شماره ۱۰، ۵۲-۶۷.
- نوربرگ‌شولتز، کریستیان. ۱۳۸۱. مفهوم سکونت: به سوی معماری تمثیلی. ترجمه‌ی محمدمیر یاراحمدی. آگاه، تهران.
- هایدگر، مارتین. ۱۳۸۱. شعر زبان و اندیشه‌رهایی انسان شاعرانه زندگی می‌کند. ترجمه عباس منوچهری. انتشارات مولی. تهران.
- Benson, E. D., Hansen, J. L., Schwartz JR, A. L. & Smersh, G. T. (1998). Pricing Residential Amenities: The Value of a View. Journal of Real Estate Finance and Economics. Vol.16. No.1. 55-73
- Canter, D. (1997a). The Psychology of Place, London: Architectural Press.
- Casy, E. S. (1987). Remembering: A phenomenological study. Indian University Press.
- Conway, J., & Adams, B. (1977). The social effects of living off the ground. Habitat International. No.2. 595-614.
- Echtner C. M., Ritche J.R.B. (1991). The meaning and measurement of destination image. Tourism Studies. Vol.2. No.2. 2-12.
- Gartner, W. (1996). Tourism development: Principles, processes and policies. New York: Van Nostrand Reinhold.
- Ha, M. and., Weber, M. J. (1994). Residential Quality and Satisfaction: Towar developing.
- Hackmann, A., & Holmes, E. (2004). Reflecting on imagery: A clinical

Sime, J. D. (1986). Creating places or designing spaces?. Journal of Environmental Psychology. Vol.6. No.1. 49-63.

Singer, J. L. (2006). Imagery in psychotherapy. American Psychological Association.

Stopa, L. (2009). Imagery and the threatened self, Perspectives on mental imagery and the self in cognitive therapy. 1-15.

یادداشت‌ها

¹ Heidegger

² Edward Casy

³ David Seamon

⁴ Robert Mugerauer

⁵ Norberg Schulz

^۶ قلب و فاپیشه علاقه‌ای به آوارگی و دوری از خانه و کاشانه ندارد و نقطه‌ای ثابت را که بتوان به آن بازگشت، یعنی چهاردیواری اختیاری خود را طلب می‌کند (Vesas, 1971) به نقل از شولتز، (۱۳۸۱، ۱۴).

⁷ Paivio

⁸ Designative

⁹ Appraisive

¹⁰ Pocock

¹¹ Hudson

¹² Gunn

¹³ Fakeye

¹⁴ Crompton

¹⁵ Gartner

¹⁶ Matos et al

^{۱۷} واریانس (به انگلیسی: Variance) نوعی سنجش پراکندگی است.

^{۱۸} در جدول اشتراکات (به انگلیسی: Communalities) میزان همبستگی بین واریانس متغیر با واریانس سایر متغیرها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

^{۱۹} یکی از مواردی که در جدول توزیع فراوانی وجود دارد، درصد تجمعی (cumulative percentage) است. در هر ردیف جدول فراوانی درصد تجمعی، مجموع درصد آن ردیف و تمامی ردیف‌های قبل از آن را شامل می‌شود.

perspective and overview of the special issue of memory on mental imagery and memory in psychopathology. Memory, 12 (4). 389-402.

Harber, G. M. (1977). The Impact of Tall Buildings on Users and Neighbors; Human Response to Tall Buildings. Stroudsburg, PA: Dowden. Hutchinson and Ross.

Helleman, G., Wassenberg, F. (2004). The renewal of what was tomorrow's idealistic city. Amsterdam's Bijlmermeer high-rise. Cities, Vol.21. No.1, pp-3-17.

Horowitz, M. J. (1970). Image formation and cognition.

Levinas, E. (1971), Totality and infinity. An essay on exteriority. The Hague/Boston/Londn: Martinus Nijhoff Publisher.

Lynch, k. (1960). The Image of The City. The MIT Press

Mackay, K. J, Fesenmaier, D. R. (1997). Pictorial elements of destination image formation. Annals of Tourism Research. No.24. 537-565.

Martinez-Luque T., Del Barrio Garcia S., Ibanez-Zapata J. A., Rodriguez Molina M. A. (2007). Modeling a city's image: The case of Granada. Cities. Vol.24. No.5. 335-352.

Norberg schulz, C. (1988). Architecture: meaning and place. Publisher Rizzoli; First American Edition edition

Paivio, A. (1969). Mental imagery in associative learning and memory. Psychological review. 76 (3), 241.

Rapoport, A. (1969), House form and Culture, Prentice-Hall, Englewood cliffs, New Jersey.

Rapaport, A. (1990), Vernacular architecture in 21 century, vernacular design as a model system, New York: Basic Book

Rapoport, A. (2009), Pour Une Anthropologie de la Maison, (K. Afzalian, Trans.), Tehran: Herfe Honarmand.

Relph, E. (1976). Place and Placelessness. London. Pion.

Richard, G., Wilson, J. (2004), "The Impact of Cultural Events on City Image: Rotterdam, Cultural Capital of Europe 2001", Urban Studies, Vol. 41, pp-1931-1951.

Ronen, T. (2011). The positive power of imagery: Harnessing client imagination in CBT and related therapies. John Wiley & Sons.

Seamon, D., Mugerauer, R. (1985). Dwelling, place and environment: Towards a phenomenology of person and world. M. Nijhoff.